

مدیریت انسان مدارِ ریسک جرم

تألیف: سودابه رضوانی

با دیباچه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی



سرشناسیه	رضوانی، سودابه، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور:	مدیریت انسان مدار ریسک جرم؛ یادبیاچه علی حسین
نحقی ایرنآبادی	
مشخصات نشر:	تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری:	۲۰۸ ص
فروست	علوم اجتماعی، ۶۲۰
شابک:	978-964-511-419-8
رصفه فهرست نویسی:	قیفا
موضوع:	جرم و جنایت — پیشگیری
موضوع:	جرم شناسی
شناسه افر:	نحقی ایرنآبادی، علی حسین، ۱۳۳۱-، یادبیاچه
ردیف بندی کنگر:	۲/۷۳۳۱/ HV
ردیف بندی دیویی:	۴/۳
شماره کتاب شناسی ملی:	۱۷۰

۶۲۰

نشر میزان

مدیریت انسان مدار ریسک جرم

سودابه رضوانی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۴۱۹-۸

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از تقاطع سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۴۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخر رازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرست، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۴۱

فهرست مطالب

در باره امنیت شغلی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین) (دیباچه).....	۱۱
درآمد.....	۲۱

بخش اول: مدیریت کفتری ریسک جرم در سنجی موازین حقوق بشر

فصل نخست: مراحل پیش از محاکمه و محاکمه.....	۳۱
مبحث اول: مرحله پیش از محاکمه.....	۳۱
گفتار اول: انتخاب پرونده برای تعقیب.....	۳۲
بند اول: اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب.....	۳۲
بند دوم: اصل موقعیت داشتن تعقیب.....	۳۳
گفتار دوم: صدور قرار تأمین کیفری.....	۳۵
گفتار سوم: پرونده شخصیت.....	۳۸
بند اول: مراحل تشکیل پرونده شخصیت.....	۳۹
الف - تشکیل پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی.....	۳۹
ب - تشکیل پرونده در مرحله محاکمه و اجرای حکم.....	۴۱
بند دوم: تاثیر رویکرد مدیریتی بر پرونده شخصیت.....	۴۲
مبحث دوم: محاکمه.....	۴۵
گفتار اول: تعیین مجازات.....	۴۶
بند اول: سنجش ریسک بالینی.....	۴۶
بند دوم: سنجش آماری ریسک.....	۴۷
بند سوم: سنجش قانونی - قضایی ریسک.....	۴۹
الف - معیارهای قضایی.....	۵۰

- ب - معیار قانونی:..... ۵۲
- (۱) قانون سه ضربه..... ۵۲
- (۲) قوانین کشورهای انگلستان، استرالیا و ایتالیا..... ۵۴
- گفتار دوم: تعلیق..... ۵۶
- بند اول: مرحله صدور..... ۵۷
- بند دوم: نظارت بر بزهکار..... ۵۹
- فصل دوم: مجازات‌ها، اجرای آن‌ها و اقدامات نظارتی پساکیفری..... ۶۴
- مبحث اول: کیفرها و اجرای آن‌ها..... ۶۷
- گفتار اول: مجازات‌های معمول درباره مجرمان خطرناک..... ۶۷
- بند اول: کیفر برگ..... ۶۸
- بند دوم: تبعید..... ۷۴
- بند سوم: اخته کردن، عقیم‌سازی و لوپوتومی..... ۷۷
- الف - اخته و عقیم کردن..... ۷۸
- ب - لوپوتومی..... ۷۹
- بند چهارم: رژیم حاکم بر چگونگی اعمال مجازات‌های سالب آزادی..... ۸۲
- الف - طبقه‌بندی بزهکاران در زندان..... ۸۵
- ب - شرایط زندان و تشدید کیفر..... ۸۷
- بند پنجم: آزادی مشروط..... ۹۲
- بند ششم: اعطای مرخصی..... ۹۷
- گفتار دوم: مجازات مجرمان کم خطر..... ۹۹
- بند اول: کیفر خدمات عام‌المنفعه..... ۱۰۰
- بند دوم: حبس خانگی..... ۱۰۲
- بند سوم: محرومیت از حقوق اجتماعی..... ۱۰۴
- الف - تحدید آزادی رفت و آمد افراد..... ۱۰۵
- ب - محرومیت از اشتغال به کار مورد علاقه فرد..... ۱۰۶
- ج - محرومیت از حقوق سیاسی..... ۱۰۷
- مبحث دوم: مرحله پساکیفری..... ۱۰۸

فهرست مطالب □ ۷

گفتار اول: قوانین و مقررات ایران.....	۱۰۹
بند اول: قانون اقدامات تأمینی و تربیتی.....	۱۰۹
بند دوم: آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج از زندان.....	۱۱۱
بند سوم: ماده ۴۸ مکرر ق. م. ا.....	۱۱۲
الف - شاخص قانونی.....	۱۱۳
ب - شاخص بالینی.....	۱۱۴
گفتار دوم: قوانین برخی کشورهای دیگر:.....	۱۱۵
بند نخست: جرایم جنسی.....	۱۱۶
بند دوم: تکرار جرم و مجرمان خشن.....	۱۱۸

بخش دوم: مدیریت ریسک جرم در سنجه موازن حقوق بشر

فصل اول: پیشگیری وضعی؛ رمیافت مدیریت غیرکیفری ریسک جرم.....	۱۲۳
مبحث اول: مبانی نظری پیشگیری وضعی.....	۱۲۵
گفتار نخست: نظریه‌های مبتنی بر انتخاب عقلانی.....	۱۲۵
بند اول: نظریه سبک زندگی.....	۱۲۶
بند دوم: نظریه فعالیت روزانه.....	۱۲۶
گفتار دوم: نظریه فضای قابل دفاع.....	۱۲۸
مبحث دوم: پیشگیری وضعی در پرتو تحولات فن‌آورانه.....	۱۳۰
گفتار اول: شناسایی موقعیت زمینه ساز ارتکاب جرم.....	۱۳۱
بند اول: ابزارهای شناسایی مکان‌های پرریسک معد جرم.....	۱۳۲
الف - سامانه سنجش از دور و سیستم موقعیت‌یاب جهانی.....	۱۳۲
ب - تهیه نقشه مناطق جرم‌خیز.....	۱۳۳
گفتار دوم: پیش‌بینی و ارزیابی ریسک.....	۱۳۴
گفتار سوم: تکنیک‌های فنی مورد استفاده در پاسخ به ریسک ارتکاب جرم.....	۱۳۵
بند اول: روش‌های زیست‌سنجی.....	۱۳۶
بند دوم: کارت هوشمند.....	۱۳۸
بند سوم: سامانه هشداردهنده.....	۱۳۸

- بند چهارم: تلویزیون مدار بسته..... ۱۳۹
- مبحث سوم: جابه‌جایی بزهکاری..... ۱۴۱
- فصل دوم: چالش‌های حقوق بشری فراروی پیشگیری وضعی..... ۱۴۴
- مبحث اول: پیشگیری وضعی و حقوق مدنی و سیاسی..... ۱۴۵
- گفتار اول: نقض آزادی‌های مدنی و ایجاد ترس از جرم در جامعه..... ۱۴۶
- بند اول: آزادی‌های فردی..... ۱۴۶
- بند دوم: تبعیض در دسترسی به برخی خدمات یا ورود به برخی مکان‌ها..... ۱۴۹
- بند سوم: ترس از جرم و امنیتی شدن جامعه..... ۱۵۳
- گفتار دوم: پیشگیری وضعی، تهدیدی علیه حریم خصوصی..... ۱۵۶
- بند اول: دوربین مدار بسته..... ۱۵۷
- بند دوم: شمارش‌یاب‌ها و دوربین‌های کنترل سرعت..... ۱۶۵
- بند سوم: تفتیش و بازرسی بدنی..... ۱۶۶
- بند چهارم: شنود مکالمات تلفنی، بازرسی نامه‌ها و سایر مرسوله‌های پستی..... ۱۶۸
- بند پنجم: حریم خصوصی اطلاعات..... ۱۶۸
- بند ششم: تعرض به حریم ارتباطات مجاری..... ۱۶۹
- مبحث دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی..... ۱۷۰
- گفتار اول: چالش‌های حقوق بشر اقتصادی فراروی پیشگیری وضعی..... ۱۷۳
- بند اول: تبعیض حفاظتی در پیشگیری وضعی از جرم..... ۱۷۴
- الف - تکالیف دولت..... ۱۷۶
- ب - وظایف سایر شهروندان..... ۱۷۹
- بند دوم: تحمیل هزینه بر شهروندان، سلب مسئولیت از دولت..... ۱۸۱
- گفتار دوم: پیشگیری وضعی و حقوق اجتماعی، فرهنگی..... ۱۸۳
- بند اول: حق بر آموزش..... ۱۸۵
- بند دوم: حق تشکیل خانواده و ارتقای آن..... ۱۸۷
- بند سوم: تأمین اجتماعی و حق برخورداری از اوقات فراغت..... ۱۸۹
- الف - تأمین اجتماعی..... ۱۸۹
- ب - حق بر اوقات فراغت..... ۱۹۱

فهرست مطالب □ ۹

نتیجه گیری	۱۹۳
فهرست منابع	۱۹۹
(۱) منابع فارسی	۱۹۹
الف - کتاب ها	۱۹۹
ب - مقاله ها	۲۰۰
ج - پایان نامه ها و رساله ها	۲۰۳
د - تقریرات	۲۰۴
(۲) منابع انگلیسی	۲۰۵
منابع الکترونیکی	۲۰۸

www.ketab.ir

درباره امنیت‌شناسی

(از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)

(دیباچه)

۱. حق بر امنیت^۱ (امنیت جسمانی - مالی) امروزه یکی از حق‌های بنیادین مردم محسوب می‌شود که اگر چه در منشور بین‌المللی حقوق بشر یا در قوانین اساسی کشورها ماده یا اصلی صراحتاً به آن اختصاص نشده است، ولی تضمین آن از تکالیف بدیهی^۲ دولت‌ها به حساب می‌آید. زیرا در سایه تأمین امنیت روزانه است که شهروندان می‌توانند از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی خود برخوردار شوند و آنها را در فضای امن اعمال کنند. دولت‌ها به نام برپای تأمین امنیت اشخاص و اموال در برابر بزهکاران و ناقضان قانون از قوای قهرآمیز و غیرقهرآمیز استفاده می‌کنند. در این چارچوب، نظام پیشگیری و نظام کیفری، به عنوان ابزارهای اصلی دولت‌های مبتنی بر قانون و تابع قانون^۳ برای تحقق بخشیدن به این امنیت تدارک و به مناسبت استفاده می‌شوند. امنیت جسمانی - مالی - حیثیتی افراد اصولاً از طریق جرم انگاری موارد نقض آن در مقررات تقنینی تضمین می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان به قانون حفظ امنیت اجتماعی ۵۵۱۳، قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت ۱۳۱۰، قانون راجع به مجازات حمل چاقو و انواع سلاح سرد و اخلال در نظم و امنیت و

1. Le droit à la sécurité - The Right to Security

۲. در برابر افزایش میزان بزهکاری خشونت آمیز، سازمان یافته و همزمان جهانی شدن بعضی از اشکال بزهکاری که در کنار جرایم محلی - ملی تهدیدهای مجرمانه فراملی برای نظم عمومی داخلی کشورها تلقی می‌شود و به دنبال افزایش مطالبات امنیت توسط مردم، آن هم در بستر اجتماعی - اقتصادی بحرانی، دولت‌ها بیش از پیش هدف غائی سیاست جنایی، یعنی تضمین امنیت جانی - مالی مردم را به عنوان یک حق بنیادی ارتقاء داده‌اند و آن را در قوانین داخلی خود وارد کرده‌اند. به عنوان نمونه، قانون گذار فرانسه در قانون جهت‌گیری و برنامه‌ریزی راجع به امنیت مصوب ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۵ مقرر کرد که «تضمین امنیت تکلیف دولت است» و سپس چند سال بعد در ماده ۱ قانون امنیت داخلی ۱۸ مارس ۲۰۰۳ مقرر نمود که «امنیت یک حق بنیادین و یکی از شرایط لازم برای اعمال آزادی‌های فردی و گروهی است». رک

Lazerges, ch., Dédoublément de la Procédure Pénale et garantie des droits fondamentaux, In, Les droits et Le Droit, Mélanges dédiés à Bernard Bouloc, Dalloz, 2007, pp.575 - 576 .

3. État de droit

آسایش عمومی ۱۳۳۶، قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی ۱۳۴۹ و ... در حقوق ایران اشاره کرد. امنیت، به لحاظ جایگاه و اهمیتی که قانون‌گذاران و دولت‌ها برای آن قائل می‌شوند، در عنوان قوانین کیفری خاص - به شرحی که در قوانین پیش گفته آمد - آورده می‌شود و در بخش جرائم قانون مجازات (بخش حقوق کیفری اختصاصی آن) فصل مستقلی به خود اختصاص می‌دهد، به طوری که دولت‌های امنیت‌گرا، بخش اختصاصی قانون مجازات خود را با فصل یا باب راجع به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور شروع می‌کنند.

تأکید بر امنیت در موافقت‌نامه‌های همکاری میان دولت‌ها، خود دغدغه کشورها را در تضمین آن نشان می‌دهد. در این خصوص می‌توان، به عنوان نمونه، به موافقت‌نامه همکاری امنیتی بین دولت ایران و شورای وزیران بوسنی و هرزگوین (۱۳۸۷/۵/۲۰)، قانون موافقت‌نامه همکاری امنیتی میان ایران و دولت پادشاهی بحرین (۱۳۸۸/۱۰/۸) و قانون موافقت‌نامه همکاری امنیتی میان دولت ایران و دولت کویت (۱۳۸۸/۱/۵) اشاره کرد. در سال‌های اخیر تأسیس شوراها و کمیته‌های ویژه امنیت داخلی (افزون بر نهادهای پلیسی - امنیتی - قضایی متعارف مانند شورای تأمین، شورای امنیت ملی) در کشورهای مختلف نیز به نوبه خود حکایت از دل‌نگرانی دولت‌ها در تضمین اختصاصی ثبات و امنیت خود و شهروندان در برابر بزه‌کاران دارد. به عنوان مثال، دولت فرانسه در سال ۲۰۰۲، «شوراهاى امنیت و پیشگیری از بزه‌کاری»^۱ را جایگزین «شوراهاى پیشگیری از بزه‌کاری شهرستان و استان»^۲ کرد و «شورای ویژه امنیت و پیشگیری از بزه‌کاری پاریس» را برای پایتخت^۲ ایجاد نمود و بدین سان با آوردن واژه امنیت در ابتدای عنوان این شوراها و در کنار هم قرار دادن امنیت - پیشگیری، در واقع، پیشگیری از بزه‌کاری را وسیله‌ای برای تأمین امنیت جامعه در برابر بزه‌کاران در نظر گرفت.

۱. لازرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات یلدا، ۱۳۷۵، صص ۱۲۶ - ۱۲۳ و بعد؛

لازرج، درآمدی بر سیاست جنایی، نشر میزان، ۱۳۹۰، صص ۱۵۳ - ۱۵۸.

2. Gassin, R., *Criminologie*, 7e éd., Dalloz, 2011, p. 847.

۲. در حوزه جرم‌شناسی نیز دل‌نگرانی تأمین امنیت جانی و مالی شهروندان، به ویژه امنیت شهروندان آسیب‌پذیر و بزه‌دیدگان بالقوه، مبنای نحل‌های جدیدی مانند عدالت تخمینی، سنجشی، مدیریت ریسک جرم و تکرار جرم یا جرم‌شناسی نو - کیفرشناسی نو واقع شده است. رویکردهای امنیت مدار جرم‌شناسی، در سال‌های اخیر مبنای علمی راهبرد افتراقی و دست کم دوگانه شدن سیاست جنایی بر پایه گونه‌شناسی بزهکاران و جرائم واقع شده است. مدیریت ریسک تکرار جرم بزهکاران مژمن و ریسک ارتکاب جرم افراد خطرناک با سازوکارهای کیفری طرد و توان‌گیری و جرم‌شناختی پیشگیری وضعی (به ویژه از گونه فن‌آورانه آن) تضمین امنیت داخلی را هدف اصلی خود قرار داده است.

۳. بدین ترتیب است که در آغاز دهه بیست و یکم، بعضی جرم‌شناسان کانادایی، فرانسوی، سویسی و بلژیکی مطالعات و تحقیقات تجربی خود را بر جنبه‌های مختلف امنیت داخلی که دولت‌ها به تنهایی و اخیراً مشارکت پلیس خصوصی در مقام تأمین آن برمی‌آیند، متمرکز کرده‌اند. حاصل یکی از این مطالعات به صورت ۴۶ مقاله در کتابی با عنوان «رساله امنیت داخلی»^۱ گردآوری، چاپ و منتشر شده است. مقاله‌ها در شش بخش تنظیم شده که عنوان هر یک از این بخش‌ها به نوعی گویای جهت‌گیری سیاست جنایی مطلوب این جرم‌شناسان و محتوای تحقیقات انجام شده است: شناخت امنیت و اندیشیدن درباره آن (ماهیت امنیت داخلی)، تهدیدها - راهکارها (اشکال عمده بزهکاری)، - اطلاعات و تحلیل آن («اطلاعات جنایی» در حوزه جرائم و مجرمان)، پیشگیری از جرم، سرکوبی و تحقیقات (پلیس و تحقیقات جنایی) و سرانجام حفظ نظم و مدیریت بحران‌ها. کوشش و دوپن در مقدمه کتاب، امنیت داخلی را «اقدام و فعالیتی می‌دانند که کنشگران خط اول به منظور حفاظت از هم‌شهروندان خود در برابر خطرهای مرتبط با زندگی در جامعه، تدارک می‌بینند و انجام می‌دهند.» به نظر استاد گسن، این تعریف، مبتنی بر چهار رکن است: نخست، امنیت داخلی نوعی اقدام و فعالیت است؛ دوم، این اقدام وظیفه مقام‌ها و کنشگران خط اول، یعنی پلیس، خواه

1. Cusson, M., Dupont, B., Lemieux, F. (Dir), *Traité de Sécurité intérieure*, Montréal, Presses Polytechniques et Universitaires romandes, 2008 (705 Pages).

پلیس ملی (دولتی) و به طور کلی‌تر، ضابطان عام و خاص و خواه پلیس خصوصی است؛ سوم، هدف این فعالیت و اقدام پلیس، تضمین امنیت اشخاص و اموال، یعنی امنیت عینی و امنیت ذهنی اشخاص (احساس امنیت انسان) است؛ و در نهایت، آماج اقدام‌های معمول برای تأمین امنیت، انواع خطرهایی است که اموال و اشخاص را به این جهت که به صورت جمعی در جامعه زندگی و کار می‌کنند، در معرض تهدید قرار می‌دهند. این خطرها ممکن است فردی یا سازمان‌یافته، شدید یا خفیف باشند و اشکال مجرمانه مختلفی به خود گیرند. استاد گسن این دانش تجربی را که به نظر وی در حال شکل‌گیری و درآستانه تبدیل به یک رشته مطالعاتی مستقل است، «امنیت‌شناسی»^۱ نام نهاده است.^۲ پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا/امنیت‌شناسی، فصلی از جرم‌شناسی کاربردی نیست و با جرم‌شناسی سیاست جنایی،^۳ جرم‌شناسی پیشگیری و جرم‌شناسی بالینی (شاخه‌های مختلف جرم‌شناسی کاربردی به نظر استاد گسن)، که جملگی با یافته‌های خود، امر مقابله پلیس و ایجابی با بزهکاری، یعنی تأمین امنیت داخلی را سنجیده و علمی می‌کنند، شباهت‌هایی ندارد؟ در پاسخ به این پرسش، استاد گسن ابتدا تفاوت‌های امنیت‌شناسی با جرم‌شناسی را مشخص می‌کند و سپس به روابط بین این دو می‌پردازد.

۱-۳. وی در مورد تفاوت‌های میان این دو رشته معتقد است که موضوع جرم‌شناسی، تبیین علمی پدیده مجرمانه فردی و جمعی و در نهایت ارزیابی اعتبار علمی سازوکارهای سیاست جنایی از منظر جرم‌شناسی است، حال آنکه امنیت‌شناسی به شرحی که گفته شد، عمدتاً شامل اقدام‌های معمول برای مبارزه با تهدیدهای مجرمانه‌ای می‌شود که امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد. به تعبیر دیگر، جرم‌شناسی یک رشته تبیینی و تأملاتی است، در صورتی که امنیت‌شناسی شامل «اقدام» و «فعالیت» می‌شود و یک رشته عملی است. تفاوت عمده دوم را باید در چگونگی اقدام

1. La sécuritologie = securitology

2. Gassin, R., op.cit., P. 32.

۳. این رشته از جرم‌شناسی کاربردی قبلاً تحت عنوان جرم‌شناسی حقوقی مطرح می‌شده است. به «جرم‌شناسی سیاست جنایی» باید «جرم‌شناسی حقوق کیفری» را نیز افزود. بررسی اعتبار و ارزش علمی نهادهای ساز و کارهای سیاست جنایی و حقوق کیفری، از منظر نظریه‌ها و ای جرم‌شناسی، موضوع دو جرم‌شناسی سیاست جنایی و حقوق کیفری را تشکیل می‌دهد.

علیه جرم جستجو کرد: جرم‌شناسی در یکی از شاخه‌های کاربردی خود، یعنی جرم‌شناسی سیاست جنایی، نسبت به مجموعه سازوکارهای کنترل اجتماعی جرم و انحراف، شامل مراحل تنظیم و تصویب قوانین و مقررات کیفری، اعمال و اجرای آن‌ها توسط نهادهای مختلف عدالت کیفری و تدابیر پیشگیری وضعی و اجتماعی از بزهکاری و ترمیم بزه‌دیدگان و بازپروری بزهکاران یک رویکرد انتقادی و ارزیابی‌کننده دارد، در حالی که امنیت‌شناسی صرفاً بر اقدام‌کنندگان و کارگزاران خط اول، یعنی مجموعه فعالیت و اقدام‌های پلیس دولتی و پلیس خصوصی و عوامل امنیتی در مقابله با بزهکاری تکیه می‌کند و بدین ترتیب، به اقدام‌های کنشگران اصطلاحاً خط دوم و سوم، یعنی، از یک سو، قضات دادگاه‌ها و از سوی دیگر، نهادهای متولی اجرا و اعمال ضمانت اجرای کیفری (سازمان زندان‌ها و عوامل ناظر به تعلیق مراقبتی و آزمایشی) و افزون بر آن، به اقدام‌های کنشگران و مجریان ملی و محلی اقدام‌های پیشگیری از بزهکاری نمی‌پردازد.

استاد گسن، با توجه به این تفاوت‌ها، در نهایت معتقد است که امنیت‌شناسی، یعنی علم مطالعه امنیت داخلی در برابر تهدیدهای مجرمانه جمعی و فردی با جرم‌شناسی ارتباط زیادی ندارد و بیشتر در چارچوب علوم سیاسی قرار می‌گیرد، زیرا همانطور که موضوع رشته اخیر «مطالعه شیوه‌ای است که به موجب آن، انسان‌ها نهادهای حاکم بر زندگی مشترک خود و اندیشه‌هایی که مبنای تضمین انتظام اجتماعی توسط این نهادها قرار می‌گیرند را درک، تصور و به کار می‌برند»، امنیت‌شناسی هم بررسی شیوه‌ای است که بر اساس آن، کنشگران خط اول (یعنی پلیس به عنوان یکی از نهادهای حاکم بر زندگی اجتماعی)، اقدام‌های تأمین امنیت و دفع تهدیدهای مجرمانه علیه اشخاص و اموال را تعریف، تعیین و اعمال می‌کنند.^۱

۲-۳. با وجود این، استاد گسن معتقد است که بین این دو رشته می‌تواند روابطی وجود داشته باشد: امنیت‌شناسی از دستاوردها و شناخت‌های نظری جرم‌شناسی برای درک، تعریف و تعیین تهدیدات مجرمانه علیه امنیت داخلی (مانند جرایم تروریستی، جرایم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، آدم‌ربایی، قاچاق انسان، قاچاق تسلیحات،

فاچاق مهاجران و بزهکاری اقتصادی) و چگونگی صف‌آرایی و به عبارت دیگر، تنظیم آرایش‌کنشی و واکنشی علیه آنها استفاده می‌کند. در مقابل، امنیت‌شناسی سهم مهمی در تحول و ارتقای کارایی جرم‌شناسی سیاست جنایی دارد؛ بدین معنا که امنیت‌شناسی با توصیف اقدام‌های متنوع داخلی برای تأمین امنیت در برابر تهدیدهای مجرمانه و ارزیابی کارایی آن‌ها، یافته‌ها و اطلاعات تحلیلی زیادی به جرم‌شناسی کاربردی می‌دهد و در نهایت رسالت ارزیابی‌کننده جرم‌شناسی سیاست جنایی را از نظر علمی تغذیه و متحول می‌کند. برای مثال، از آنجا که استفاده از دوربین‌ها و تلویزیون‌های مدار بسته و به طور کلی نظارت الکترونیکی، به عنوان یکی از شیوه‌های پیشگیری وضعی فن‌آورانه از بزهکاری در مکان‌های عمومی و خصوصی، در اغلب کشورها معمول شده است، امنیت‌شناسی با بررسی انواع پایش‌های فن‌آورانه و برآورد کارنامه آن، در واقع جرم‌شناسی پیشگیری را از نتایج چنین پایش‌هایی مطلع و بنابراین جهت‌گیری‌ها و ساز و کارهای آن را متحول می‌کند. امنیت‌شناسی برای تنظیم آرایش و صف‌آرایی (یا به تعبیر آشناتر) مقابله سنجیده در برابر مجرمان و تهدیدهای مجرمانه ای که امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند نیز نیازمند کسب شناخت از شخصیت مجرمان، کیفیت و میزان تکرار جرم، سازمان‌های جنایی و جرایم سازمان‌یافته، جرایم تروریستی، جرایم اقتصادی، جرایم شهرک‌ها و حومه‌های کلان‌شهرها، جرایم سایبری و ... است که ناگزیر باید به یافته‌ها، نظریه‌ها و مطالعات جرم‌شناسی متوسل شود.

۴. بدین ترتیب، دل‌نگرانی دولت‌ها برای تأمین امنیت شهروندان و قربانیان بالقوه بزهکاری، محور مطالعاتی بعضی جرم‌شناسان را نیز متأثر کرد و آنان را به سمت مطالعات امنیت شناختی سوق داده است، چندانکه مطالعات جرم‌شناختی به مطالعات امنیت با تکیه بر برنامه‌ها و اقدام‌های کنشگران پلیسی - امنیتی منتقل شده است. این تغییر رویکرد، آرایش و جهت‌گیری‌های سیاست جنایی را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است، چنان که تضمین امنیت حقوقی - قضایی، یعنی رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان و حقوق مظنون، متهم و مجرم تحت الشعاع تضمین امنیت جسمانی و مالی شهروندان و نظم عمومی (حقوق کیفری امنیت‌مدار) قرار گرفته و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری به تدریج جای خود را به پیشگیری «محدودکننده» وضعی - فنی - فن -

آورانه از جرم می‌دهد (جرم‌شناسی امنیت‌مدار). اگرچه پرسش اصلی نویسندگان «رساله امنیت داخلی» این است که جوامع مردم‌سالار، چگونه می‌توانند امنیت خود را در عین رعایت حقوق و آزادی‌های فردی تضمین کنند، ولی ناگفته پیداست که تکیه و تأکید آنها، بیشتر بر نظم عمومی، ثبات حاکمیت و امنیت مردم و اموال آنها در مقابل مجرمان است و بنابراین بحث اصلاح بزهکاران و پیشگیری اجتماعی از جرم (و به طور کلی رویکرد بالینی به جرم و مجرم) در مطالعات امنیت شناختی آنها جایگاه زیادی ندارد. امنیت‌شناسان به این پرسش اساسی که بخشی از بزهکاران ممکن است خود، قربانی نوع حکمرانی دولت‌ها و مدیریت عدالت کیفری، به ویژه قربانی رفتارها، برنامه‌ها و طرح‌های مقطعی - ضربی و بیشتر عوام زده امنیت پلیسی و شبه پلیسی و از همه مهمتر، محصول جامعه‌ای باشند که در آن پرورش یافته‌اند، اعتنای زیادی نمی‌کنند. بدین سان، ملاحظات تأمین امنیت داخلی در برابر تهدیدهای مجرمان، در عمل، دستاوردهای حقوق بشری عدالت کیفری و دستاوردهای علمی جرم‌شناسی نظری و جرم‌شناسی کاربردی را تا اندازه زیادی کم‌رنگ کرده است.

۵- هربرت پاکر (H. Packer)، استاد سابق دانشگاه استنفورد، در زمینه فرایند کیفری با که بی‌ارتباط با بحث ما نیست، معتقد است^۱ که دو مدل بر حسب نظام سیاسی یا دولت و مجلس حاکم در یک کشور، با یکدیگر رقابت نگاه در مواردی همزیستی می‌کنند: مدل کنترل جرم یا مدل کیفری^۲ و مدل عدالت، مدل کرامت‌مدار یا مدل دادرسی عادلانه.^۳ هدف اولیه در مدل کنترل جرم عدالت کیفری حمایت از حقوق شهروندان قانون‌گرا با سرکوب رفتار مجرمانه با هدف اولویت دادن به ارتقای کمی و کیفی امنیت اشخاص و اموال آنان است. در این مدل، هدف اصلی نظام عدالت کیفری، تقویت مبارزه علیه مجرمان، حتی به بهای محکوم کردن احتمالی افراد بی‌گناه است. بدین ترتیب، تأمین امنیت در گرو تقویت اختیارات ضابطان عام و خاص و در نهایت تشدید سخت‌گیری و سرکوب کیفری است. در مقابل، مدل عدالت یا مدل

1. Larine Gelsthorpe, Crime controle model, Due Process model, in, The sage Dictionary of criminology, 2001.pp. 61 - 62 and pp. 104 - 106.

2. Crime Controle Model.

3. Due Process Model.

کرامت‌محور، قضات کیفری را داوران بی‌طرفی می‌داند که به اختلاف‌های مردم باهم، از یک سو و مردم با دولت، از سوی دیگر رسیدگی می‌کنند. این مدل به حمایت از حقوق متهمان و به طور خاص اولویت دادن به تضمین حقوق طرف‌های جرم، یعنی برابری سلاح‌ها (دادرسی عادلانه و رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده) تأکید می‌کند و می‌پذیرد که رعایت بی‌طرفی در مراحل پلیسی و قضایی و نیز عادلانه بودن نظام کیفری ممکن است به قیمت نبرتهای فرار چند مجرم از پنجه عدالت و کیفر تمام شود. به نظر می‌رسد که محصول مدل اخیر، امنیت پایدار و مشروع در پرتو پیشگیری عادلانه^۱ و بازپروری عادلانه بزه‌کاران باشد. حال آن که امنیت حاصل از مدل کنترل جرم در واقع منوط به استمرار سختگیری کیفری در مفهوم موسع آن و اعمال بی‌وقفه سیاست تعقیب متهمان و مصرف بی‌تناسب ضلحات اجرامای کیفری و در نهایت تغذیه و تقویت مداوم زرادخانه کیفری و جرایم برای کاهش تهدیدهای جنایی است. بدین ترتیب، آنچه امروزه بیش از پیش در سطح سیاست جنایی مشاهده می‌شود، در واقع، «جدال مدل آزادی‌محور با مدل امنیت‌مدار» است.

۶. کتاب پیش رو، اثر خانم سودابه رضوانی، دانشجوی با انگیزه، پرتلاش و با پشتکار دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به محدودیت‌های حقوق بشری سیاست مدیریت ریسک تکرار جرم، یعنی مهار مجرمان خطرناک از گذر توان‌گیری کیفری - جرم‌شناختی از آنها، با هدف تضمین امنیت جامعه پرداخته است.

نویسنده محترم، ایرادهای حقوق بشری و خلأهای تضمینی حقوق متهم و مجرم را در رویه قضایی و یا سیاست تقنینی بررسی کرده است. نویسنده، در واقع، می‌خواهد یادآوری کند که: اگرچه حق بر امنیت باید در اولویت قرار داده شود تا امنیت جانی و مالی شهروندان با نظام کیفری و پیشگیری تضمین شود، لیکن نباید فراموش کرد که همین شهروندان از حق دیگری یعنی حق بر تأمین^۲ (امنیت حقوقی - قضایی) در برابر

۱. نجفی ایرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات بزرگداشت استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.

۲. ابراهیمی، شهرام، بازپروری عادلانه، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، زیر چاپ در سال ۱۳۹۱.

مداخله‌های پلیسی - قضایی کارگزاران عدالت کیفری و کنشگران پیشگیری نیز برخوردارند. تضمین این حق نیز که به عنوان یکی از حق‌های بشری در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی پیش بینی شده،^۱ به عهده دولت‌ها گذاشته شده است. حق بر تأمین (امنیت حقوقی - قضایی)^۲ در واقع، تضمین حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی در برابر تصمیم‌ها و اقدام‌های غیر قانونی و خودکامه عوامل دولت است، در حالی که حق بر امنیت، حمایت‌کنشی و واکنشی از اشخاص و اموال در برابر جرائم و مجرمان است. بدین سان، تضمین حق بر امنیت نمی‌تواند نقض حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را از گذر مداخلات خودسرانه عوامل پلیسی و قضایی در حقوق و زندگی خصوصی (خلوت) مردم، به طور کلی و حقوق مشروع مظنون، متهم و مجرم، به طور خاص توجیه کند.

به بیان دیگر، اگر چه امنیت‌شناسی در مقام مطالعه تجربی جنبه‌های مختلف امنیت داخلی، یعنی چگونگی تحقق بخشیدن به امنیت مردم در مقابل تهدیدهای مجرمانه داخلی و بیش از پیش تهدیدهای مجرمانه قوامی یعنی «جرائم جهانی شده» است،^۳ لیکن بررسی جنبه دیگر امنیت، یعنی امنیت حقوقی - قضایی شهروندان نیز در برابر اقدام‌های پلیس و تصمیم‌های قضات و به طور کلی حاکمیت مهم می‌نماید. زیرا، عدم رعایت حق شهروندان بر تأمین، توسط نهادهای پلیسی دولتی و خصوصی، خود، از یک سو نوعی ناامنی در پی دارد و از سوی دیگر، زمینه بی‌اعتدالی مردم متقاضی

۱. به عنوان مثال ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اشعار می‌دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس حق آزادی و امنیت دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت نمود. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون».

ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد ...».

بند ۱۴ اصل ۳ قانون ج.ا. «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی همه در برابر قانون». اصل ۹ قانون اساسی ج.ا. «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

۲. در این مورد رک. روحانی، حسن، (زیر نظر)، امنیت قضایی (مجموعه مقالات)، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جهانی شدن بزهکاری، دیباجه بر: ذاقلی، عباس، فاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۹، ص ۱۸ - ۱۳.

امنیت را نسبت به مشروعیت اقدام‌های معمول برای تضمین حق بر امنیت آنان فراهم می‌کند. برقراری تعادل در تضمین این دو حق بنیادین است که، خود امنیت آور است. بدین ترتیب، آیا نمی‌توان در برابر امنیت شناسی مورد نظر نویسندگان «رساله امنیت داخلی» که بهتر است آن را امنیت شناسی پلیسی نامید، سخن از امنیت شناسی قضایی به میان آورد که شامل مطالعه اقدام‌ها و تصمیم‌هایی می‌شود که کنشگران و کارگزاران خط دوم و سوم به منظور حفاظت از شهروندان در مقابل خطرهای مرتبط با زندگی اجتماعی (بزهکاری) اتخاذ و اعمال می‌کنند؟

علی حسین نجفی ابرندآبادی

تهران، ۱۹ خرداد ۱۳۹۱ خورشیدی

درآمد

۱- از آغاز تولد انسان، جرم در جوامع انسانی همواره به عنوان پدیده‌ای ضد اجتماعی و مخل نظم و امنیت عمومی وجود داشته است و برای مبارزه با آن رویکردها و مکاتب مختلفی به وجود آمده است. تمرکز اصلی غالب این نظریه‌پردازی‌ها و رویکردهای کیفری - جرم‌شناختی، علت‌شناسی جرم بوده است. قبل از تولد جرم‌شناسی‌های اصلاح و درمان، جرم پدیده‌ای شوم محسوب می‌شد که با مجازات‌های خشن و توهین می‌بایست از بستر اجتماع زدوده گردد. نیل به این هدف هر گونه رفتاری را با مجرم توجیه می‌نمود. در عصر حقوق کیفری موضوعه، مکتب دفاع اجتماعی نوین با رهبری مارک آنسل، با هدف برقراری تعادل میان حقوق فرد و جامعه، پا به عرصه وجود نهاد. این مکتب همواره هدف خود را تأمین امنیت جامعه و عقب راندن بزهکاری می‌داند. لیکن معتقد است، بهترین حمایت از جامعه یعنی مؤثرترین و در عین حال انسانی‌ترین آن عبارت است از سازگار ساختن دوباره بزهکاران با اجتماع از طریق وسایل و امکاناتی که به نیاز یافتن احساس مسئولیت اجتماعی در آنها تأثیر می‌گذارد. در این دوره، عدالت کیفری انسان مدار مطرح شد.^۱ دفاع اجتماعی، رویکرد خود را دفاع از کرامت انسانی، - حتی کرامت ذاتی انسان مظنون، متهم به ارتکاب جرم و محکوم - تعریف کرد.^۲ به موجب این دیدگاه، مجرم در پی وقوع جرم انسانیت خویش را از دست نمی‌دهد. او همچنان به عنوان یک انسان کرامت دارد و قابل اصلاح و نجات است. مارک آنسل معتقد است که کارایی یک شیوه خاص سیاست جنایی، به تنهایی، نمی‌تواند توجیهی برای آن محسوب شود. در واقع، به نظر می‌رسد در نتیجه دیدگاه‌های مارک آنسل میان حقوق بشر و حقوق کیفری آشتی و تعادل برقرار شد. در واقع مکتب واکنش اجتماعی، از یک سو طرفدار برخورد کرامت مدار با مجرم به منظور بازگشت او به جامعه است و از سوی دیگر، طرفدار

۱. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی نوین، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۱۸.

تأمین امنیت شهروندان نیز می‌باشد.^۱ متعاقب آن، جرم‌شناسی‌های اصلاح و درمان و پیشگیری (جرم‌شناسی تحقیقی یا سستی) که به موجب آن جرم معلول یک سلسله عوامل فطری و محیطی و مجرم در واقع، قربانی شرایط زیستی و اجتماعی است به وجود آمد. برخی از جرم‌شناسان آمریکایی و کانادایی، دهه‌ها پس از ظهور جرم‌شناسی در معنای بالینی و پیشگیری آن، با تکیه بر آمار جنایی مربوط به بزهکاری و تکرار جرم، مبادرت به ارزیابی کارایی این جرم‌شناسی‌ها نمودند. آنان اعلام داشتند که با وجود صرف هزینه‌های انسانی و اقتصادی بسیار، در نرخ بزهکاری کاهش قابل توجهی به وجود نیامده است. در پی این نگاه اقتصادی و عوامل سیاسی و امنیتی، همچون به سر آمدن عمر دولت‌های رنانه و مطالبات رو به افزایش در زمینه تأمین امنیت در دهه ۱۹۸۰ میلادی، شاهد به وجود آمدن و شکل‌گیری نگرش‌های جدیدی در حیطه علوم جنایی می‌باشیم که رویکرد آن‌ها مدیریتی است. رویکرد مدیریتی در بستر نظریه جامعه ریسک مدار شکل گرفت. این اصطلاح اولین بار توسط اولریش بک به کار رفت.^۲ اگر چه انسان همیشه در معرض ریسک قرار داشته، اما جامعه مدرن در نتیجه ی ریسک‌های طبیعی (مانند بلایای طبیعی) و ریسک‌های جدید انسان ساخته در معرض نوع خاصی از ریسک است. در جامعه ریسک مدار، مدیریت ناامنی ناشی از ریسک‌های گوناگون و گاه غیر قابل پیش بینی، به یک مسئله مهم تبدیل شده است. امروزه جرم و ترس از آن جزء^۳ تجربیات روزانه شهروندان در سراسر دنیا شده است. از منظر این دیدگاه جرم پدیده‌ای به‌نجار محسوب می‌شود که نمی‌توان آن را به طور کامل محو نمود، بلکه باید با ابزارهای کنترلی آن را تا حد امکان برای جامعه قابل تحمل کرد.

در رویکرد مدیریتی، بخش عمده‌ی جرایم توسط درصد ناچیزی از بزه‌کاران ارتکاب می‌آید که می‌توان آن‌ها را «گروه‌های پر خطر یا هسته فعال بزهکاران» نامید. به جای مبارزه بیهوده و بی‌نتیجه با همه مجرمین بهتر است برای افزایش کارایی دستگاه

۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، کفر شناسی نو - جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطر مدار، در: تازه‌های علوم جنایی، (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸، ص ۷۱۷.

2. Back, Ulrich, Risk Society: Toward a New Modernity, Translated to English by Mark Ritter, London, Sage, 1992, p.8.

3. O Mally, P., Globalizing risk: Distinguishing styles of "neo - liberal" criminal justice in Australia and the USA, London, Sage, Vol. 2, N0.2, , 2000, p.205

عدالت کیفری و حفظ امنیت بخش بزرگتر جامعه که در نتیجه جرایم این افراد مختل می‌شود امکانات محدود سیستم عدالت کیفری را صرف مبارزه با همسین گروه‌های پرخطر نماییم.^۱ این نگاه یادآور مفهوم حالت خطرناک «گاروفالو» در مکتب تحقیقی است. با این تفاوت که در این رویکرد به جای سخن گفتن از فرد دارای حالت خطرناک، سخن از طبقات و گروه‌های خطرناک است که با برخی عوامل ریسک مانند اعتیاد، مجرد بودن، بیگانه بودن، سوء پیشینه مجرمانه، نوع محکومیت کیفری، بیکار بودن و ... خطرناکی خود را بروز می‌دهند. در سیستم جدید مدیریتی، یکی از مهمترین مسائل، کیفیت پیش‌بینی رفتارهای آتی فرد و در واقع، شناسایی مرتکبین پر ریسک است. برای پیش‌بینی رفتارهای فرد در آینده به ابزارها بالینی و آماری تکیه می‌شود. در این راستا، رویکردی جدید به نام عدالت سنجشی^۲ در سیاست جنایی شکل گرفته است که از روش‌های سنجش ریسک آماری و منطق بیمه جهت پیش‌بینی احتمال تکرار جرم در آینده استفاده می‌کند. در هر حال هر دو مدل بالینی و آماری از نظر قابلیت پیش‌بینی رفتار در آینده واجد خطا و اشتباه هستند. خصوصاً این که تکیه بر آمار علاوه بر اشتباهات در محاسبه آماری و از سوی دیگر رقم سیاه بزهکاری سبب می‌شود که نتوانیم صد در صد آمار را برای تشخیص خطرناکی مستند قرار دهیم.

علاوه بر جنبه کیفری نگاه مدیریتی، جنبه‌ی جرم‌شناختی آن که نگاه از آن به «جرم‌شناسی نو» نیز یاد می‌شود قابل توجه است. ابزار مبارزه با جرم در جرم‌شناسی نو تکیه بر ابزار توان‌گیری و تمرکز بر روی آماج و موقعیت‌های مساعد ارتکاب جرم با هدف برهم زدن اوضاع و احوال ماقبل بزهکاری است (پیشگیری وضعی). رویکرد جدید به جای ایجاد تعادل و هماهنگی میان آزادی و امنیت، آزادی بخشی از افراد جامعه را قربانی امنیت بخش دیگری می‌نماید. اما باید توجه داشت که حق امنیت باید در چارچوب معیارهای حقوق بشری تحقق یابد و نه به قیمت نادیده گرفتن حقوق بشر تمام گردد.^۳

1. Maurutto, P. and Hannah – Moffat, K., Assembling Risk and The Restructuring of Penal Control, Oxford University Press, 2005, p.6

2. Actuarial Justice.

۳. ابراهیمی، شهرام، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۶.

کرامت ذاتی انسان برخلاف آن چه که برخی از فلاسفه و اندیشمندان معتقدند چیزی نیست که با ارتکاب جرم علیه دیگران زایل گردد،^۱ در حالی که حقوق بنیادین بزهکار در نگاه مدیریتی، در مراحل مختلف فرآیند عدالت کیفری مورد خدشه قرار می‌گیرد. به عنوان مثال برخی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه مانند اصل برائت، اصل قانون مندی، جرایم و مجازات‌ها، اصل تناسب جرم و مجازات و ... که در اسناد مختلف حقوق بشری به آن تصریح شده رعایت نمی‌شود. رویکرد مدیریتی، به دنبال علت شناسی جرم و لزوماً اصلاح بزهکاران از گذر کیفر و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری (رویکرد بالینی) و نیز زیر سؤال بردن عدالت کیفری نیست، بلکه هدف اصلی آن ارتقای امنیت بزه‌دیدگان بالقوه و جامعه از گذر دور و منزوی کردن گروه‌های خطرناک از جامعه است.^۲ از یک سو، «از منظر مجرم‌مداری، کرامت انسانی و انسانیت مجرم، افزون بر ملاحظات اخلاقی و حقوق بشری، ملاحظات جرم‌شناسی را می‌طلبد. بزهکار در نگاه بالینی، محصول تعامل یک سلسله عوامل شخصی و محیطی و کمبودهای عاطفی، تربیتی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی در سطح اجتماع است؛ مجرمیت او ذاتی نیست؛ انسانی از دست رفته تلقی نمی‌شود. قبل از مجرم شدن، زندگی اجتماع «عادی» داشته و پس از طی فرآیند کیفری و تحمل کیفر نیز به زندگی عادی خود ادامه خواهد داد و ... از این رو، تصمیم‌های کیفری در کلیه مراحل فرآیند رسیدگی و چگونگی اجرای این تصمیم‌ها باید بیشتر بر اساس این کمبودها و خلأهای تربیتی جهت‌گیری شود تا زندگی اجتماعی پساکیفری او دچار اختلال نشود». از سوی دیگر، به بهانه حفظ امنیت و نظم، محدودیت‌های کیفری و نظارتی، افزودن بر مجازات بر شخص تحمیل می‌شود. در رویکرد جدید، در واقع، جامعه به صورت پادگان و دژ می‌آید که دیوارهای محکم آن، از هر سو، بر فرد بزهکار فشار می‌آورد. فرد بزهکار تبدیل به شماره و عدد شده و با توجه به طبقه‌بندی‌ها و در گروه‌های پرریسک سعی می‌شود احتمال وقوع جرم یا تکرار آن در آینده از سوی او پیش‌بینی شود. زندان به جای این

۱. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، چاپ اول؛ نشر میزان، تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۰.

۲. درباره تحولات جرم‌شناسی، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، دیپاچه در: دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی قانون «حقوق شهروندی»، درباره رابطه آیین دادرسی کیفری با جرم‌شناسی، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، نشر گرایش، چاپ نخست، ۱۳۸۸، ص ۱۹.

که جایگاه اصلاح مجرمان بزهکار باشد همچون زباله‌دانی محل انباشت توده‌های مجرمین پرریسک است.^۱ حقوق دیگر او، مانند آزادی رفت و آمد و حق بر اصلاح و درمان نیز نقص می‌شود. در رویکرد کنشی نیز به کارگیری فناوری‌های نوین پیشگیری وضعی از جرم موجب ایجاد جامعه‌ای طبقاتی می‌گردد که مرتکبین بالقوه را به سوی تعرض به طبقه تیره و فرودست جامعه سوق می‌دهد. به کارگیری این ابزارها همچنین موجب نقض حق خلوت و حریم خصوصی افراد و همچنین افزایش ترس از جرم و در نتیجه احساس ناامنی در جامعه می‌شود. در واقع، علاوه بر نقض حقوق مدنی، سیاسی و آزادی‌های افراد، حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان نیز به انحاء مختلف نقض می‌شود. گزینش گروه‌های پرریسک مجرمین منجر به تمرکز دستگاه عدالت کیفری بر روی مرتکبان جرایم خشن، جنسی و طبقه فرودست جامعه می‌شود. بدین ترتیب، این طبقه که قبل از ارتکاب جرم به علت عدم فراهم بودن امکانات معیشتی، اقتصادی و تأمین اجتماعی در معرض ارتکاب جرم بوده‌اند، بار دیگر با تبعیض روبرو می‌شوند. چه بسا اگر امکانات اقتصادی، اجتماعی و آموزشی برایشان فراهم می‌شد، هیچ‌گاه وارد دنیای بزه‌کاری نمی‌شدند. آن‌ها اغلب تاوان کراهی دولت در انجام وظیفه خویش مبنی بر ایجاد امکانات عادلانه و برابر جهت تأمین حداقل‌های زندگی را پس می‌دهند. در زمان‌های طولانی به اشتباه این بحث مطرح می‌شد که رعایت حقوق بشر مانع مبارزه مؤثر با بزه‌کاری می‌باشد و دولت‌ها علی‌رغم حسن نیت، باید با موانعی که حقوق بشر در تأمین امنیت و مبارزه با بزه‌کاری ایجاد می‌کند مبارزه کنند.

در فرآیند کیفری نباید به بزهکار به عنوان یک وسیله برای رسیدن به اهدافی مانند حفظ نظم و امنیت استفاده کرد و با او برخوردی مکانیکی و شی‌گونه داشت زیرا در صورت نگرش ابزاری به انسان غایت با لذات بودن او از بین خواهد رفت. مدیریت ریسک جرم، به عنوان یکی از شیوه‌های نوین پاسخ‌دهی به جرم، تفاوت بنیادینی با مکاتب سنتی دارد که در آن گویی انسانیت بزه‌کار به دست فراموشی سپرده شده و هدف تأمین امنیت، همه چیز حتی نادیده گرفتن حقوق بنیادین شخص را توجیه می‌نماید. در حالی که امنیت و حفظ نظم اجتماعی خود در سایه تحقق ارزش‌هایی مانند

۱. پاک نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک مدار، نشر میزان چاپ نخست، ۱۳۸۸، ص ۲۲.
۲. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۶۵.

عدالت، آزادی، برابری و رفتار انسانی با همگان حتی بزهکاران میسر می‌شود. ضرورت آشنایی با این رویکرد و چالش‌های آن زمانی آشکارتر می‌شود که دریابیم در چند سال اخیر جلوه‌هایی از رهیافت ریسک مدار در سیاست جنایی ایران، برای مثال ماده ۴۸ مکرر ق.م.ا یا در رویه‌های پلیسی مانند برخورد با پدیده به اصطلاح «اراذل و اوباش»، ظاهر شده و در حال توسعه است. این سیاست به زعم خویش درصدد ایجاد جامعه‌ای امن‌تر است، در حالی که در این رویکرد، جامعه امن‌تر، جامعه‌ای است که مرتکبین پست و طایفه فرودست به سان «گرم‌های اجتماعی» در آن حضور نخواهند داشت.^۱

۲- رویکرد مدیریتی بحث نسبتاً جدیدی، حتی در ادبیات جرم‌شناسی کشورهای آمریکایی - اروپایی می‌باشد. با رغم نگارش مقالاتی در کشورهای اروپایی و آمریکایی، در ایران تحقیقات قابل توجهی در این زمینه صورت پذیرفته است.

هر چند وجود چند مقاله^۲ و پایان‌نامه^۳ و کتاب^۴ در چند سال اخیر قابل ذکر است. لیکن آن چه که به نظر در نگاه اول در بررسی این رویکرد محل تأمل و بررسی است ایرادات وارده بر آن از بُعد حقوق بشر و آزادی‌های فردی است که در این زمینه تحقیق جامعی در ادبیات فارسی به چشم نمی‌خورد. تحقیقات صورت پذیرفته بیشتر به بیان روش‌های پیش‌بینی و مبانی آماری آن پرداخته است. حال آن که در تدوین یک سیاست جنایی کارآمد، نخستین عامل تضمین رعایت عدالت و کرامت انسانی در پرتو موازین حقوق بشر است.

۳- در گام نخست، قبل از تدوین پلان کنونی اثر، نگارنده قصد داشت فصل‌های اول هر بخش را به تبیین مبانی و بررسی مؤلفه‌های کیفرشناسی و جرم‌شناسی نو اختصاص دهد که با توجه به نوشتگان موجود در این زمینه تصمیم بر این قرار گرفت

۱. پاک نهاد، پیشین، صفحه ۲۸۱

۲. ماری، فیلیپ، کیفر و مدیریت خطر، به سوی عدالتی «محاسبه‌گر» در اروپا، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۳۳۱ تا ۳۶۴.

۳. جلالی ورنامخواستی، مصطفی، عدالت آماری، سیاست کیفری مبتنی بر برآورد عینی خطر در فرآیند کیفری، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، تابستان ۱۳۸۵.

۴. پاک نهاد، منبع پیشین.

که از بررسی این مباحث خودداری شود. زیرا همان گونه که گفته شد، در آثار دیگر مانند کتاب آقای دکتر امیر پاک نهاد در حد مناسبی تبیین شده بودند. همچنین روش مزجی ارائه مطالب خصوصاً در بخش نخست این گونه ایجاب می نمود که در هر فصل و مبحث ضمن بیان ایرادات حقوق بشری به جلوه های این رویکرد نیز تا حد امکان پرداخته شود. نیز از بیان تفصیلی مبانی نظری مدیریت ریسک به دلیل تکرار و حجم گسترده بحث خودداری شد و تنها به بیان آثار این رویکرد در مراحل مختلف فرآیند کیفری پرداخته شده است. مسائل نظری به اقتضا مورد بحث قرار گرفته است.

در بیان مسائل حقوق بشری نیز تکیه، بیشتر بر روی بررسی موارد اختلاف این سیاست جنایی با اسناد حقوق بشری بوده است.

مطالب اثر حاضر، بر این مبنا به دو بخش تقسیم شده است. در بخش نخست، مدیریت کیفری ریسک در سنجی موازین حقوق بشری مطرح گردیده است. بخش نخست، خود به دو فصل با عنوان های ۱ - مرحله پیش از محاکمه و محاکمه ۲ - کیفرها، اجرای مجازات و مرحله پس کیفری تقسیم شده است.

در بخش دوم: رهیافت جرم شناختی رویکرد مدیریتی با عنوان مدیریت غیرکیفری ریسک جرم در پرتو آموزه های حقوق بشر بررسی شده است. در فصل اول، «پیشگیری وضعی و حقوق مدنی و سیاسی» و در فصل دوم این بخش «موارد ممکن نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مطالعه شده است. در این اثر تلاش بر آن است ضمن برشمردن ایرادهای حقوق بشری مدیریت ریسک جرم در حد امکان به راهکارهای ایجاد تعادل میان آزادی و امنیت رسید.